

تحلیل سیاسی هفته (۵۰) نگاهی به کنفرانس گفتگوی منامه

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۳۳۶۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۹/۲۳

مقدمه

اخیراً کنفرانسی با عنوان گفتگوی منامه و با محوریت موضوع «آینده خاورمیانه، منازعات و تغییر» با حضور برخی از مقامات کشورهای غربی و عربی در پایتخت بحرین برگزار شد که در آن مسائلی چون «توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در ژنو» و نیز «بحران سوریه» مورد بحث قرار گرفت. این کنفرانس البته «اختلاف اعضای شورای همکاری خلیج فارس» در مورد برخی موضوعات را علنی کرد.

اما آنچه بیش از همه در مورد این نشست دارای اهمیت است، برگزاری آن در مجمع‌الجزایر بحرین می‌باشد که مردم آن، نزدیک به سه سال است برای رسیدن به خواست‌های مشروع خود با رژیم حاکم درگیر می‌باشند، به عبارت دیگر کشورهای غربی با سفر به منامه به نوعی حمایت خود را از رژیم آل‌خلیفه و سرکوبگری آن اعلام کردند هر چند برخی بر این باور هستند که مقام آمریکایی حاضر در بحرین در دیدار با حکام آل‌خلیفه، پیام‌های چندی را در راستای اجرای برخی اصلاحات سیاسی و لزوم پایان دادن به درگیری‌ها ابلاغ کرده است.

سایه ایران‌هراسی بر کنفرانس گفتگوی منامه

جمهوری اسلامی ایران به واسطه میزان تأثیرگذاری بر روندهای جاری در خاورمیانه و محیط پیرامونی خود، همواره مورد توجه کشورهای مختلف قرار داشته است. این نگاه به‌خصوص در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پررنگ‌تر بوده و آنها با وسواس بیشتر - که ناشی از رقابت‌های درونی، تضادهای مذهبی و مداخلات خارجی است - سیاست‌های ایران را مورد توجه قرار می‌دهند. در این میان، برگزاری کنفرانس گفتگوی منامه و حضور برخی طرف‌های غربی در آن همزمان با توافق ایران و گروه ۵+۱، خود به محملی برای پرداختن به مسئله ایران تبدیل شد. هرچند استقبال از این کنفرانس چندان قابل توجه نبود، اما حضور وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا و وزیر امور خارجه انگلیس به‌عنوان دو متحد راهبردی بحرین و کشورهای عرب حوزة خلیج فارس که طرف ایران در توافق هسته‌ای ژنو بودند و همچنین برملا شدن اختلافات کشورهای عرب با هم، اهمیت بیشتری به آن داد.

علاوه بر دو مقام غربی مورد اشاره، برخی از چهره‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی عرب نیز در این نشست در مورد ایران به اظهارنظر پرداخته و دیدگاه‌های خود را ابراز کردند که مهمترین محورهای سخنان آنها را دو مقوله ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی تشکیل می‌داد.

جهت‌دهی اصلی این کنفرانس به سمت ایران (درحالی که موضوع آن «آینده خاورمیانه، منازعات و تغییر») بود اقدامی بود که توسط سعودی‌ها صورت گرفت. ترکی فیصل رئیس اسبق سازمان اطلاعات عربستان سعودی که دارای دیدگاه‌های ضدایرانی شدیدی است، در مراسم افتتاحیه این کنفرانس، موضعی کاملاً تند و تهاجمی به‌خصوص در حوزة هسته‌ای گرفت و گفت: «من در زمان حاضر سمت سیاسی ندارم؛ اما همگی ما به‌عنوان شهروندان کشورهای حوزة خلیج

فارس) حق داریم به دولت‌هایمان برای مقابله با هر نوع خطر از جمله خطر هسته‌ای اعمال فشار کنیم؛ زیرا زمین‌لرزه و حوادث طبیعی ناشی از آن ممکن است به همه منطقه آسیب برساند».

فیصل که در حال حاضر عنوان رئیس مرکز پادشاهی پژوهش‌های اسلامی عربستان را دارد، در ادامه طرح ادعا علیه ایران گفت: «ایران باید در قضایایی که مشکلات اساسی به‌شمار می‌آیند گام‌های مهمی بردارد تا مقاصدش به‌طور واضح مشخص شود. مثلاً هنوز برخی نگرانی‌ها در مورد موضع تهران در قبال بحرین وجود دارد، چنانکه می‌بینیم بعضی شبکه‌های تلویزیونی وابسته به ایران به شکل منفی به بحرین و سایر کشورهای عربی حمله می‌کنند که این حملات باید متوقف شود».

موضع‌گیری مقامات پیشین عرب علیه ایران را محمد صباح السالم الصباح نخست‌وزیر و وزیر خارجه سابق کویت در دست گرفت و با تکرار سخنان ترکی فیصل، از اینکه آمریکایی‌ها در حال توافق با ایران هسته‌ای هستند، به شدت انتقاد کرد و خواستار امضای پیمان استراتژیک میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا برای آینده شد. سناتور «تیم کاین» رئیس کمیته فرعی امور خاور دور و آسیای میانه و جنوبی در مجلس سنای آمریکا در این نشست تأکید کرد: «علیرغم اهمیتی که جلوگیری از گسترش مسابقه هسته‌ای در منطقه دارد؛ اما توافق حاصل شده با ایران فقط درباره پرونده هسته‌ای ایران نبود و ما به بحران سوریه نیز پرداختیم؛ زیرا معتقدیم تلاش‌های دیپلماسی می‌تواند به افزایش امنیت در منطقه کمک کند».

هوشیار زیباری وزیر امور خارجه عراق هم در این نشست گفت: «نقش ایران در منطقه بعد از توافق ژنو افزایش خواهد یافت، اما سؤال مهم این است که آیا ایران از این فرصت به‌صورت مثبت استفاده خواهد کرد یا منفی؟» زیباری همچنین با اشاره به نگرانی کشورهای عربی در مورد ایران افزود: «جهان شاهد تغییرات زیادی بوده و آمریکا و اروپا نیز تغییراتی کرده‌اند و کشورهای منطقه نیز باید روابط خود را براساس چالش‌های فرارو تنظیم کنند. کشورهای منطقه باید در قضایای مختلف بر خود تکیه و از جمله نظام امنیت داخلی ایجاد کنند که این طرح علاوه بر کشورهای حوزه خلیج فارس باید شامل عراق و یمن نیز بشود زیرا این دو کشور هم جزء منطقه به‌شمار می‌آیند».

موضع‌گیری آمریکا و انگلیس

اما مهمترین موضع‌گیری‌ها در مورد تحولات منطقه را «چاک هاگل» وزیر دفاع آمریکا و «ویلیام هیگ» وزیر امور خارجه انگلیس در این نشست داشتند.

اصلی‌ترین محورهای سخنرانی وزیر دفاع آمریکا در کنفرانس گفتگوی منامه و دیدار از نظامیان آمریکایی در این مجمع‌الجزایر - که در واقع پاسخی به هراس عرب‌های حاشیه خلیج فارس از توافق ژنو، احتمال توافق نهایی ایران و آمریکا در مسائل منطقه‌ای و همچنین پایان حضور نظامی این کشور در حوزه خلیج فارس بود - را می‌توان به‌صورت ذیل برشمرد:

۱. حفظ بیش از ۳۵ هزار نیروهای نظامی در منطقه خلیج فارس،

۲. باز بودن درها برای فروش سیستم دفاع موشکی و سایر سیستم‌های تسلیحاتی به گروهی از کشورهای دوست

آمریکا در حوزه خلیج فارس،

۳. تداوم تهدید امنیتی برخاسته از سوی ایران علیرغم توافق هسته‌ای با این کشور،

۴. ضرورت ایجاد یک پیمان نظامی منطقه‌ای با حضور کشورهای عرب حوزه خلیج فارس،
۵. بزرگ‌نمایی توان موشکی ایران و یاد کردن از آن به‌عنوان یک تهدید بالقوه در ادامه سیاست ایران‌هراسی،
۶. تعهد به ماندگاری بیش از پیش جنگنده‌های پیشرفته آمریکایی در منطقه مانند رهگیر نسل پنجمی اف ۲۲،
۷. تأکید بر ترتیبات امنیتی در خلیج فارس به شکل فعلی و با حضور کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس
که با برگزاری نشست‌های بیشتر شکل می‌گیرد.

با توجه به این موارد می‌توان گفت که وزیر دفاع آمریکا برای دادن قوت قلب به شیوخ خلیج فارس به بحرین سفر کرد. او با حضور بر عرشه یک ناو مین‌روب مستقر در منطقه، در واقع خواست این پیام را به متحدان عرب در منطقه ابلاغ کند که در حال حاضر آمریکا همچنان در منطقه می‌ماند.

ویلیام هیگ نیز بلندپایه‌ترین مقام اروپایی بود که با حضور در کنفرانس گفتگوی بحرین دیدگاه‌های لندن و بروکسل در مورد تحولات منطقه و توافق هسته‌ای با ایران را به اطلاع کشورهای عربی رساند.

به هر میزان که هاگل تلاش کرد تا در مورد توافق هسته‌ای ایران برای کشورهای عربی توضیح دهد، محور سخنان وزیر امور خارجه انگلیس را تحولات سوریه تشکیل می‌داد. آنچه از سخنان ویلیام هیگ بر می‌آید این است که او به دنبال آن بود تا دیدگاه کشورهای اروپایی را در مورد سوریه و آینده سیاسی این کشور به عرب‌های حوزه خلیج فارس توضیح دهد. این دیدگاه‌ها هرچند از واقعیت تا عمل تفاوت و فاصله بسیاری دارند، اما به‌واسطه نیاز روحی کشورهای عرب این منطقه برای اطمینان از حمایت‌های اروپا، ناچار بر لزوم برکناری اسد استوار بود درحالی که نشست ژنو ۲ هیچ یک از موارد برشمرده شده توسط هیگ را تضمین نمی‌کند.

بروز اختلاف میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس

کنفرانس گفتگوی بحرین علاوه بر آنکه محملی برای بحث علیه ایران و سوریه بود، تریبونی جهت افشای اختلافات شدید داخلی میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس شد. در یکی از بخش‌های این نشست، نزار مدنی وزیر مشاور در امور خارجه عربستان اظهاراتی در مورد لزوم اتحاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با «تهدیدات پیش‌رو» ابراز کرد که منظور مستقیم وی، اجرای ایده عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه سعودی برای تشکیل اتحاد کشورهای عضو شورا تحت رهبری عربستان بود. این ایده پیش از این بارها به دلیل اختلافات داخلی ناکام مانده بود.

در پاسخ به این درخواست، یوسف بن علوی وزیر امور خارجه عمان در موضع‌گیری بی‌سابقه‌ای، مخالفت کشورش با هر گونه اتحادیه‌ای به این شکل را اعلام کرد و گفت که عمان در هیچ یک از ترتیبات امنیتی، سیاسی، نظامی و اقتصادی که از این اتحادیه بیرون خواهد آمد، حضور نخواهد داشت.

علوی در سخنانی که بسیاری از کارشناسان عرب در سطح منطقه آن را تلاش برای انهدام درونی شورای همکاری خلیج فارس و مقابله با طرح‌های توسعه‌طلبانه ریاض در برابر دیگر کشورهای عضو یاد می‌کنند، تأکید کرد:

«سلطان نشین عمان مخالف تشکیل اتحادیه خلیج فارس است، اما مانع تشکیل این اتحادیه نیست در نتیجه اگر تصمیم نهایی دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس تشکیل چنین اتحادیه‌ای باشد عمان به سادگی از عضویت این شورا خارج خواهد شد».

با توجه به موضع‌گیری عمان، موضوع تشکیل اتحادیه خلیج فارس را باید از هم‌اکنون شکست‌خورده برشمرد، چرا که برای اجرایی شدن هر تصمیمی در این زمینه توافق هر ۶ کشور لازم است و مخالفت هریک از اعضا می‌تواند باعث وتوی آن شود.

در این میان عربستان سعودی در تلاش بود تا با پوشش تشکیل اتحادیه خلیج فارس، عملاً مجمع‌الجزایر بحرین را به خاک خود منضم کرده و با سلب حق شهروندی بحرینی‌ها، اعتراضات مسالمت‌آمیز آنها را سرکوب کند. در این اتحادیه که عضو قدرتمند آن یعنی عربستان حرف اول و آخر را خواهد زد و در هر طرح مشارکتی سهم سعودی‌ها بیش از دیگران خواهد شد، به‌صورت رسمی ماهیتی برای کشورهای دیگر عضو باقی نخواهد ماند و همه رفتار آنها تحت‌الشعاع تصمیم‌گیری‌های ریاض در منطقه و سطح بین‌الملل قرار خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

کنفرانس گفتگوی منامه که قرار بود به دیالوگی در مورد تحولات منطقه خاورمیانه عربی در سایه اعتراضات مردمی سه سال اخیر تبدیل شود، به مکانی برای حمله به ایران، سوریه و در نهایت بروز اختلافات و شکاف میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شد.

برگزاری این نشست و حضور برخی از شخصیت‌های غربی در سایه اعتراضات سه‌ساله مردم بحرین به رفتار رژیم حاکم در سرکوب این اعتراضات نشان‌دهنده حمایت آنها از این رژیم و پیروی از استانداردهای دوگانه در موضوع حقوق بشر و آزادی‌های مدنی است.

نشست منامه، دستاورد چندانی برای برگزارکنندگان آن نداشت و برعکس، نشان داد که اعضای شورای همکاری خلیج فارس علیرغم برخی ظاهرسازی‌ها، همچنان با هم اختلافات شدیدی دارند و سایه توافق ایران و ۵+۱ در مسئله هسته‌ای و همچنین عبور بحران سوریه از مجرای سیاسی و کنار رفتن گزینه نظامی علیه این کشور، همچنان بر سر این کشورها قرار دارد.

در این میان مواضع وزیر خارجه عمان در مورد تشکیل اتحادیه خلیج فارس، حتی اظهارات چاک هاگل وزیر دفاع آمریکا در مورد تشکیل یک اتحادیه دفاعی میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد و مشخص کرد که خارج از دستورات دیکته شده آمریکا به کشورهای عضو، برخی عوامل دیگر نیز در تصمیم‌سازی‌ها در منطقه خلیج فارس دخیل هستند که خارج از توان و کنترل واشنگتن و ریاض قرار دارند.